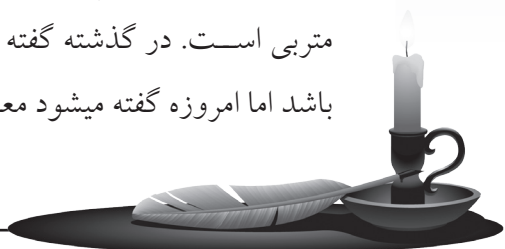


تشویق به چه معنا است؟ تشویق برای به شوق آوردن مربی انجام میگیرد. بنابر این همه مناسباتی که سبب میشود فرد بر سر ذوق آید و به سوی حرکتی که شما پیش بینی کرده‌اید، حرکت نماید از عناصر و عوامل تشویقی است. اصلیتین فعالیت مربی در جلسه، به شوق آوردن مربی و ایجاد انگیزه کردن است.

تنبيه به چه معنا است؟ تنبيه به معنای هوشیار نمودن، متنبه نمودن و آگاه نمودن است و بازدن و بازداشتن تفاوت دارد. تنبيه را معمولاً به معنای بازدارندگی در نظر میگیرند اما از نظر لغوی به معنای هوشیار نمودن فرد برای ادامه ندادن یک رفتار و اندیشه و یک فکر است. بنابر این یکی از اصلیتین فعالیتهای مربی در جلسات، تشویق مربیان جهت حرکت به سوی هدف و تنبيه آنها به معنای هوشیار نمودن آنها از عوامل مخرب و بازدارنده است. یکی از رسالتهای مربی ایجاد شوق برای حرکت به سوی هدف و ایجاد آگاهی نسبت به عوامل بازدارنده است. در جلسات گذشته اشاره گردید که عنصر اصلی فرآیند تربیت، مربی است. در گذشته تصور میشده است که عنصر اصلی معلم و مربی است اما در بحثهای تعلیم و تربیت جدید گفته میشود عنصر اصلی تربیت مربی است. در گذشته گفته میشده است که معلم باید میداندار تربیت باشد اما امروزه گفته میشود معلم باید چنان مهارتی داشته باشد که بتواند





در مرتبی ایجاد انگیزه نماید تا وی از نقطه‌های به نقطه دیگری حرکت نماید. بنابر این تربیت زمینه سازی برای حرکت است. تربیت برخلاف تمام تعاریف رایجی که در اکثر کتب وجود دارد به معنای حرکت دادن، شکوفا دادن و ... نیست. عنصر اصلی در تربیت زمینه سازی برای حرکت است و نه حرکت کردن. لذا به معنای درست کلمه تربیت شدن وجود دارد که فاعل آن مرتبی است و نه تربیت کردنی که فاعل آن مرتبی است. بنابر این در جلسات با عنایت الهی می‌خواهیم زمینهای را فراهم آوریم که مرتبی آگاهانه و داوطلبانه و به صورت اختیاری به سوی یک هدف مشخص که در اینجا قرب الهی و عبودیت است، حرکت نماید. در گذشته بیان گردید که ما هادی نیستیم بلکه در راستای حرکت مرتبی به سوی هدف خود، زمینه ساز و برطرف کننده موانع هستیم. ما برای مرتبی هدف و چگونگی حرکت به سمت هدف را تبیین میکنیم. در سوره قصص (قصه به معنای پیگیری کردن و دنباله داشتن است همانند سریال، قصاص به معنای پیگیری حادثهای است که در گذشته اتفاق افتاده است و قصص به معنای بیان کردن داستان است و نه قصهها) آیه ۵۶ آمده است که " انک لن تهدی من احببت ولكن الله " این آیه خطاب به پیامبر است، خطاب به پیامبر عزیزی است که مجسمه هدایت الهی و تجلی بخش آن است.



بنابر این فعالیت ما در این جلسات از یک سو به شوق آوردن فراگیران و از سوی دیگر آگاه نمودن آنها نسبت به موانع حرکت است و این به مفهوم دقیق کلمه، تشویق و تنبیه است.

در این راستا چند سوال به ذهن ایجاد می‌گردد که پاسخ به آنها بسیار مهم است:

۱- باید در نظر داشت که تشویق و تنبیه در ادبیات دینی نیز آمده است. تبشیر به معنای تشویق و تذیر نیز به معنای تنبیه است. از نگاه قرآن کدام یک از این دو مورد اولویت دارد؟ پیامبران مبشر هستند و یا منذر؟ در قرآن "؟ انما انت منذر" آمده است اما انما انت مبشر نیامده است؟ از این مورد چه نتیجه‌های میتوان گرفت؟ سوال در اینجا است که از نظر قرآن کدام یک از این دو مورد اولویت دارد؟

۲- باید در نظر داشت که تشویق میبایست شوق حرکت ایجاد نماید. باید میدان رقابتی ایجاد نماییم که فراگیران به سمت هدف بدونند. آیا رقابت مورد تأیید دین است و یا ایجاد رفاقت؟ آیا تشویق کردنی که به ایجاد رقابت منجر میشود، رفتاری تربیتی است و مورد تأیید دین است؟ آیا اعطای جایزه به یک نفر به معنای دست رد بر سینه دیگران زدن است؟ این عمل از نظر تربیتی و دینی کار درستی است؟

۳- آسیبه‌های تشویق کدام است؟ چه امری تشویق را به ضد خود تبدیل





مینماید؟

یکی از آسیبهای بسیار جدی تشویق این است که انسان خود را در میدان مسابقه بازنده احساس کند و از حرکت به سمت هدف خودداری نماید. از این منظر تشویق تبدیل به یک عامل بازدارنده خواهد شد. تشویق اگر اشتباه تبیین شود، عامل بازدارنده خواهد بود.

یکی از اصول حاکم بر تشویق چه به صورت مادی و چه به صورت معنوی این است که باید از صفر آغاز گردد و به سمت ۱۰۰ حرکت نماید، از کم آغاز شود و به سمت زیاد سیر نماید بدین معنا که میبایست تدریجی و تکاملی باشد. برخی از مرییان برای جذب دانش آموزان در جلسه اول و دوم سعی میکنند که با وی رفیق شوند، این به معنای از صد شروع نمودن است. باید از صفر آغاز کنید و به آرامی در وی تشنگی را ایجاد نمایید. بنابر این یکی از اصول حاکم بر تشویق، سیر تکاملی و تدریجی بودن آن است.

و سؤال پایانی

به نظر شما آیا برای تشویق کردن باید اصول دیگری را نیز رعایت نمود؟

